■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۵۸ ■ سه‌شنبه ■ ۱ تیر ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۶ | اذان مغرب ۲۰/۴۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۳ | اذان صبح فردا ۴/۰۲ | طلوع آفتاب فردا ۵/۴۹

سخن روز

امام صادق علیه‌السلام:
خوش اخلاقی در بین مردم، زینت اسلام است.
مشکاة الانوار، ص ۴۲۲

حسین تبریزی: تلویزیون بستری است که مسئولیت فرهنگ‌سازی دارد

شبکه نمایش خانگی با تلویزیون قابل قیاس نیست. شبکه نمایش خانگی را بخش خصوصی هدایت می کند و سرمایه‌گذاری آن را هم برعهده دارد. هزینه‌هایی هم که در شبکه نمایش خانگی می شود با هزینه‌های تلویزیون قابل قیاس نیست. نکته دیگر اینکه فکر می کنم ما مقداری دیر به این سمت حرکت کردیم، زیرا تمام دنیا یک تلویزیون ملی و دولتی دارند و یک بخش خصوصی هم دارند که تلویزیون‌های کابلی است. یکی از جذابیت‌های شبکه نمایش خانگی این است که محدودیت موجود در تلویزیون، در شبکه نمایش خانگی کمتر است و نکته دیگر اینکه پرداختن و انتخاب قصه راحت‌تر است؛ چون مخاطب انتخاب می کند که شبکه نمایش خانگی را ببیند اما تلویزیون میهمان خانه‌ها است؛ درواقع تلویزیون یک رسالتی دارد که باید آن را انجام دهد و رسانه هم کارش این است که اوقات فراغت را پر کند. تلویزیون بیش‌تر بازیگرتربیت می کند و در عین حال بِستری است که مسئولیت فرهنگ‌سازی را برعهده دارد و شبکه نمایش خانگی هم ادامه دهنده آن راه است. طبیعتاً تلویزیون محدودیت‌های خاص خودش را دارد.

بخشی از صحبت‌های کارگردان سریال «صبح آخرین روز» با خبر آنلاین

پشت دریاها شهری است
که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است.
بام‌ها جای کبوترهایی است که به فواره
هوش بشری می‌نگرند.
دست هر کودک ده ساله شهر، خانه
معرفتی است.
مردم شهر به یک چینه چنان می‌نگرند
که به یک شعله، به یک خواب لطیف.
خاک، موسیقی احساس تو را می‌شنود
و صدای پر مرغان اساطیر می‌آید در باد.

سهراب سپهری

نـــگاره

ایمان نوری نجفی

نوشیدنی خنک در هوای گرم

حسین علیزاده
آهنگساز

یادداشت

به شوق سالروز تولد داوود گنجه ای نوازنده و آهنگساز پیشکسوت

رفیقی که هرگز پیر نشد...

از دیدار اول تا آخرین باری که این روزها دیدمش ۵۰ سال گذشت. همه چیز در تلاطم و تغییر بود. چه شادی‌ها که با رنج‌ها شسته شد و چه ناامیدی‌ها که با امید کاشته شد. در این ایام دراز اما یک چیز ثابت بود و آن چهره مردی که همیشه لبخند به لب داشت و پیروز بر رنج بود. رفیق روزهای سخت، اما همه روزهای سخت او را به یاد ندارند. چهره قوی و شاد او مانع دیدن رنج‌های اوست. او می‌خواهد شاد باشد و شاد کند. او دریادلی‌ست به وسعت زندگی، قابل قیاس با کسی نیست. نوازش سازَش نوازش زندگی‌ست. تنها استادی‌ست که می‌داند و لب نمی‌گشاید به دانستن. او همه چیز را ساده و شیرین می‌بیند همان طور که خود ساده و شیرین زیسته. دلی پر عشق دارد، اشک‌هایش فقط در شادی جاری‌ست. بی‌شمار انسان‌هایی که از سر چشمه وجودش سیراب شدند اما او محرم و رازدار لب نگشود. داوود انسانی غمخوار و سنگ صبور ایام است، داوود محبوب دل‌هاست، محبوبی که دلش گنج عشق است. با عشق و افتخار به پا ایستاده و فریاد می‌زنم؛ ای گنج عشق، تو مانایی و خواهی ماند. به پاس نیم قرن دوستی و رفاقت و عشق...
و سوگند به قلب مهربانت.

خرداد ۱۴۰۰

یادداشت

ابوالفضل جلیلی
کارگردان

به سینمای انسانی اعتقاد دارم

در زمان ساخت فیلم خصوصاً وقتی بازیگر یا بازیگرانم از قشر نوجوان باشند به آنها صرفاً به‌عنوان یک بازیگر نگاه نمی‌کنم، بلکه به‌عنوان یک دانش‌آموز یا مددجوی اجتماعی نگاه می‌کنم. خیلی از فیلمسازان وقتی با نوجوان‌ها کار می‌کنند از نوجوان، تنها به‌عنوان یک بازیگر توقع دارند، موضوع فیلم را بفهمد، دیالوگ را حفظ کند، موقعیت صحنه را درک کند و ارتباطش را با بازیگر یا طرف مقابلش حفظ کند، اما من سعی می‌کنم قبل از اینکه از نوجوان به‌عنوان یک بازیگر فیلم استفاده کنم، به او در حد توانم اندیشه، تفکر، نگاه، ارتباط، درست حرف زدن، درست برخورد کردن و حتی گاهی درست راه رفتن و در نهایت هدفمند بودن را یاد بدهم. اغلب مدت زمان ساخت فیلم‌هایم خصوصاً در کار کردن با بچه‌ها طولانی می‌شود و خیلی از همکاران که از دور می‌شنوند از این قضیه شاکی هستند، آنها به من می‌گویند، تو چکاره‌ای که مثلاً به بازیگر درس اخلاق یا رفتار بدهی؟ تو فیلمت را بگیر و خداحافظ. اما من معتقدم که ما فیلم می‌سازیم تا مخاطب را راهنمایی کنیم. به او درس اخلاق، رفتار، صبوری و درست اندیشیدن را بیاموزیم. چطور می‌شود که بازیگر من که یک نوجوان یا یک جوان است خودش از نظر رفتاری و گفتاری و پنداری اشکال داشته باشد و آن وقت بخواهد پیام درست بدهد. من فکر می‌کنم نوجوان‌های امروز با قدیم فرق دارند، نوجوان‌های قدیم یعنی زمان نوجوانی نسل ما هدفمند بودیم، امیدوار بودیم، مناعت طبع داشتیم، با عشق بزرگ می‌شدیم و با عشق بار می‌آمدیم ،اما بچه‌های حالا اغلب یا سرگشته‌اند یا افسرده، هیچ هدفی را دنبال نمی‌کنند، به‌هیچ چیز دل نمی‌بندند و برای هیچ چیز حاضر به تحمل سختی و تلاش و کوشش نیستند. من وقتی با این دست از بچه‌ها کار می‌کنم، قبل از اینکه روی فیلم زوم کنم، روی افکار و رفتار و گفتار آنها تمرکز می‌کنم و در صورت نیاز روی شخصیت‌شان کار می‌کنم. من به سینمای انسانی معتقدم، برای همین هم سراغ بازیگران معمولی و بی‌ادعای کوچه و بازار می‌روم و به زیبایی ظاهری اهمیت نمی‌دهم. بیشتر سراغ نوجوانان دختر و پسری می‌روم که دچار مشکل رفتاری یا اجتماعی هستند و در طول ساخت فیلم و بعضاً سال‌ها بعد از ساخت فیلم با همین بچه‌ها کار می‌کنم و به کمک خودشان از مشکلات رها می‌شوند، آن هم به به کارگیری استعداد و خلاقیت‌های خودشان. گاهی برخی از منتقدان به من انگ سیاه‌نمایی می‌زنند اما من معروف به این هستم که بازیگران نوجوان را مقتدرانه از دل سیاهی عبور داده و به سمت نور ببرم. در همین فیلم «مسیر معکوس» با تعداد نزدیک به بیست نوجوان کار کردم، اکیپ سازنده فیلم‌های من حداکثر چهار نفر است، نه هفتاد و چهارنفر، فقط چهار نفر؛ اما عاشق کار. ما در زمان ساخت فیلم با بچه‌های بازیگر، مشکل زیاد داشتیم، گاهی بر سر خودم هم فریاد می‌کشیدم چون هم کارگردان بودم، هم فیلمبردار، هم طراح و هم... اما صبوری کردم، تحمل کردم و کار را تمام کردیم. حالا بیشتر و شاید تمام بچه‌های سرکش بازیگر من تبدیل شده‌اند به نوجوانان معتقد، هدفمند و امیدوار، خصوصاً وقتی پویان شکری برنده بازیگر نقش اول مرد آن هم در جشنواره شانگهای چین شد دیگر بچه‌های بازیگرم به حرف‌هایی که در طول ساخت فیلم به آنها می‌زدم و آن روزها گوش نمی‌کردند و سرکشی می‌کردند، حالا ایمان آورده‌اند که آنها هم می‌توانند حتی با بازی در یک فیلم ساده به یک چهره ارزشمند جهانی تبدیل شوند.

*** فیلم «مسیر معکوس» به تهیه کنندگی و کارگردانی ابوالفضل جلیلی و از محصولات بنیاد سینمایی فارابی، موفق به کسب ۲ جایزه بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر نقش اول مرد (پویان شکری) در بخش اصلی رقابتی بیست و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای شد.**

سایه روشن

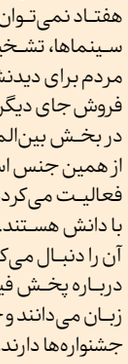

محدثه واعظی‌پور
روزنامه‌نگار

کاسب‌ها در پخش بین‌الملل فیلم

بعضی حوزه‌ها درسینمای ایران، مثل حوزه اکران و پخش، مناسبات پیچیده و جالبی دارند. افراد فعال و مؤثر در این بخش‌ها محدود هستند و تا چند سال قبل، اغلب آنها اجازه نمی‌دادند افراد دیگری وارد این حرفه شده و راز و رمزهایش را بدانند. درپخش داخلی و توزیع واکران، با احترام به تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان سلامت و بافرهنگ، لمپنیسم حاکم است. برخلاف پوسته پر زرق و برق ظاهری، معادلات سنتی و مبتنی بر رانت است. هر گروه و دار و دسته‌ای، به‌دنبال منفعت شخصی است و پول، حرف اول و آخر را می‌زند. پخش‌کننده- سینمادارها با نهادهای دولتی و دفاتر خصوصی زد و بند دارند، فیلم‌های سوگولی‌ها در هر شرایطی خوب اکران می‌شوند و سینمای مستقل یا فیلم‌های سینماگرانی که رابطه کمتری دارند، به شکلی اکران می‌شوند که شکست بخورند و جریانی مخالف آنچه سینمادارها می‌خواهند، در دل سینمای حرفه‌ای جان نگیرد.
فیلم‌های تجاری و بفروش یا فیلم‌هایی که «باید» بفروشند از حمایت بی‌دریغ پخش‌کننده‌ها برخوردارند و راهشان را برای جذب تماشاگر پیدا می‌کنند. به آمار فروش فیلم‌ها در یک دهه اخیر چندان اعتماد نکنید. درباره فروش بسیاری از آنها می‌توان شک کرد. خریدن بلیت و چینش سانس‌ها به نفع بعضی آثار، مرسوم، متداول و به‌رویه‌ای عادی در اکران تبدیل شده است. دیگر مثل دهه شصت و هفتاد نمی‌توان با دیدن صف‌های طولانی مقابل سینماها، تشخیص داد فیلمی پرفروش است و مردم برای دیدنش سر و دست می‌شکنند. معادلات فروش جای دیگری غیر از سینماها رقم می‌خورد.
در بخش بین‌الملل، مناسبات به شکلی دیگر، اما از همین جنس است. گروهی از قدیم در این بخش فعالیت می‌کرده‌اند که بعضی از آنها با تجربه و با دانش هستند. سینما را دوست دارند و تحولات آن را دنبال می‌کنند. همه آگاهی و تخصص‌شان درباره پخش فیلم به این ربط پیدا نمی‌کند که زبان می‌دانند و چند ایمیل از مدیران یا واسطه‌های جشنواره‌ها دارند، اما بعضی دیگر، همان حرف‌هایی را می‌زنند که پخش‌کننده‌های داخلی به خورد فیلمساز می‌دهند. اگر آنها از بفروش بودن فیلم حرف می‌زنند، این گروه هم سردستی و کلی نظر می‌دهند: «این فیلم که برای تماشاگر خارجی جذاب نیست. این را هیچ جشنواره‌ای نمی‌برد. زیادی ایرانی است.» شنیدن جمله‌های کلیشه‌ای و تحلیل‌های ساده تکراری این پخش‌کننده‌ها، عجیب است. فرقی نمی‌کند سال‌ها در یک نهاد دولتی کار کرده باشند یا جوان و تازه‌کارباشند و در دفترهای خصوصی فعالیت کنند. اغلب‌شان، شور و حالی برای پیدا کردن مخاطب واقعی فیلم‌ها ندارند. راه‌های تازه را طی نمی‌کنند و قرار نیست به فیلمساز مشورت یا ایده‌ای بدهند که به کارش بیاید و برای دیده شدن فیلم در فضاهایی خارج از ایران به آنها کمک کند.
درحوزه ادبیات، چند سال است بعضی نویسنده‌ها دست به‌کار شده و انتشار آثارخودشان یا تعدادی از دوستانشان را بر عهده گرفته‌اند. این نویسنده- ناشرها، که سرمایه، اعتبار و سابقه نشرهای بزرگ و نامدار را ندارند، می‌کوشند در آشفته بازار کتاب راهی برای زنده ماندن پیدا کنند و البته بعضی از آنها از ادبیات مستقل و نویسنده‌های جوان و بدون رابطه حمایت می‌کنند تا آثار آنها را به دست مخاطبان واقعی ادبیات برسانند. در پخش بین‌الملل هم فیلمسازهای جوان و مستقل می‌کوشند راهی به جشنواره‌ها پیدا کنند. بعضی سینماگرها دفتر پخش دارند و تلاش می‌کنند انحصار را بشکنند. نمی‌دانم این دو گروه چقدر موفق می‌شوند، اما امیدوارم جذب مخاطب به گروهی سپرده شود که دست‌کم در حوزه کاری خودشان علاقه و عشق داشته باشند و به هر پدیده مثل یک کالای تجاری نگاه نکنند. پخش فیلم یا کتاب یا هر محصول فرهنگی دیگری، نیاز به سلیقه و هوشمندی دارد. گاهی باید از کلیشه‌های رایج درباره پسند مخاطب فاصله بگیریم و اجازه بدهیم اثر هنری، مخاطب اش را پیدا کند.

به مناسبت خجسته میلاد امام علی بن موسی الرضا(ع)

عالم آل محمد (ص)

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

امروز یازدهم ذیقعده مصادف با خجسته میلاد هشتمین خورشید هدایت، امام علی بن موسی الرضا(ع) است. امام همامی که از هر آلایشی به دور بوده و به عنوان همسنگ و همراه قرآن کریم، کرامت یافته و برتری دارد. آن حضرت (ع) به خصلت‌های والای انسانی آراسته و از شرافت و بزرگی برخوردار بود و با اخلاق نیکو و والای خود زندگی افراد بسیاری را متحول نمود. امام رضا (ع) مکارم اخلاق را از جدش رسول خدا (ص) به ارث برده و در مراحل زندگی به آن‌ها جامه عمل پوشاند. امام رضا (ع) در دوران حیات خویش با حاکمانی معاصر بود که اموال مسلمانان را ملک خود دانسته و هر چه که می خواستند و می توانستند در آن تصرف می کردند تا آنجا که منصور عباسی هنگام مرگ ۶۰۰ میلیون درهم و ۱۴ میلیون دینار از خود باقی گذاشت. به موازات فساد مالی خلفای عباسی از فساد سیاسی نیز برخوردار بودند و با تبلیغ آنکه جانشینی پیامبر اسلام(ص) به عنوان ارث به ایشان رسیده، بدون درنظر آوردن آرای مسلمین همه چیز را تحت سلطه خویش می خواستند. در چنین شرایطی امام رضا(ع) با حضور بین مردم از محبوبیت بسیاری برخوردار بود که در نتیجه آن مأمون عباسی به فکر تحمیل ولایت عهدی به امام رضا (ع) افتاد تا به زعم خود ضمن کنترل امام (ع) از محبوبیت آن حضرت به نفع خلافت خود بهره ببرد. انحرافات عقیدتی از جمله مصائب جامعه مسلمین در دوران حیات آن حضرت(ع) بود. مکاتب و مسلک‌های بسیاری همزمان با دوران زندگی امام رضا(ع) سر برآورده، پیروانی یافته و به اختلافات دامن می‌زدند. حاکمان عباسی نیز آشکار و پنهان از این انحرافات حمایت کرده و برتیزی شعله انحرافات می‌افزودند. در این مقطع تعداد نحله‌های بزرگ و کوچک به حدی فزونی یافته بود که برای افراد جامعه تشخیص وانتخاب مکتب حقه مشکل شده بود. امام رضا با توسعه مکتب رسول خدا(ص) و در امتداد دانشگاه دینی امام جعفر صادق(ع) در مدینه به تعلیم و ترویج مکتب قرآن روی آورد و از این رو به عالم آل محمد (ص) لقب یافت. امام رضا در رأس مبارزات علمی خود مقابله با تفسیر به رأی آیات الهی را قرار داده و تأثیر ویرانگر آن را به حداقل رساند. رفاه‌زدگی و اشرافی‌گری میان عباسیان منجر به انحراف اخلاقی شده و آنان را سرگرم شهوترانی و عقب‌ماندگی نمود. این امر موجب شد تا نخبگان جامعه نیز به کارهای حقیر مشغول شده و جامعه اسلامی از رشد و شکوفایی بازماند. در نتیجه چنین وضعیتی دشمنان خارجی فرصت تاخت و تاز علیه قلمروهای اسلامی یافته و به عنوان نمونه قبایل خزران تنها در یک یورش به سرزمین‌های اسلامی هزاران تن را کشته و صدها هزار نفر را به اسارت گرفتند. در چنین شرایطی خلفای عباسی در کاخ‌های خود مشغول عیش و نوش و نسبت به حوادثی که آسیب‌های آن متوجه آحاد جامعه بود، بی تفاوت بودند. امام رضا(ع) ماهیت توطئه‌ای را که برای به آشفتگی کشاندن خرد و باور مسلمانان تدارک دیده شده بود روشن کرد و قاعده‌ای کلی از شیوه و عملکرد دشمنان اسلام که برای خدشه وارد کردن به مبانی اندیشه و مفاهیم اسلامی در پیش گرفته بودند، به دست داد. یکی از این نشانه‌ها غلو در مورد اهل بیت رسول خدا(ص) بود. امام رضا(ع) در این ارتباط می‌فرماید: «مخالفان ما و دشمنان ما سه دسته اخبار و روایات در فضایل ما جعل کرده‌اند. غلو درباره ما، کوتاهی و نارسایی در امر (امامت) ما و بدگویی آشکار از دشمنان ما، پس هرگاه مردم مطلبی آمیخته به غلو درباره ما بشنوند، شیعیان ما را تکفیر کرده، آنان را معتقد به الوهیت ما خواهند خواند و چون روایات تقصیر و کوتاهی را ببینند، آن کوتاهی‌ها را از ما خواهند دانست و زمانی که بدگویی صریح و بی پرده، همراه با ذکر نام دشمنان ما را بشنوند، ما را با ذکر نام به بدی یاد خواهند کرد.» امام رضا (ع) در پاسخ به چنین آشفتگی و نابسامانی فکری چندین روش را برگزید که مهم‌ترین آن پاسخ به انحرافات و اقناع صاحبان فکر و اندیشه بود. در کنار آن حضرت به تعلیم و نشر افکار و عقاید صحیح پرداخته و از این طریق دایره نفوذ کلام منحرفان را محدود ساخت.

پیشنهاد

حمید ناصری‌مقدم
فیلمساز

کتاب امروز بعد از ۵۰ سال

بعد از احیای مجله و فصلنامه «کتاب امروز»، انتشارات علمی و فرهنگی گام دیگری هم برای احیا و دوباره دیدن شدن کتاب امروز برداشته و در این حرکت جدید ناشر، تمام شماره‌های منتشر شده مجله در دهه ۵۰ را در دو جلد منتشر کرده و در دسترس علاقه‌مندان قرار داده است. هشت شماره از این مجموعه که در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ روی پیشخوان دکه‌های روزنامه قرار می‌گرفت، در شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و با حمایت انتشارات فرانکلین تقریر و منتشر شد و چاپش در همان سال‌ها متوقف شد. مجله «کتاب امروز» فصلنامه‌ای تخصصی در زمینه معرفی کتاب به شمار می‌رفت و در حوزه‌های تألیف، ترجمه، ویرایش و طراحی، اطلاعات لازم را در اختیار مخاطبان حرفه‌ای و پیگیر دنیای کتاب قرار می‌داد. مرور کتاب «کتاب امروز» نشان می‌دهد که این مجله همچنان تازه و دیدنی است. نکته مهم این است که وقتی این مجموعه را تورق می‌کنیم، سخت است باور کنیم که این مجموعه با این کیفیت در ۵۰ سال پیش شکل گرفته که نه از اینترنت خبری بوده و نه کتاب‌ها و افراد اینقدر در دید و دسترس همه بوده‌اند. از طرف دیگر طراحی‌ها و مؤلفه‌های بصری مجموعه مجلات «کتاب امروز» هنوز هم از ریخت نیفتاده‌اند و نقد و نظر، گفت‌وگوهای تفصیلی و پر مغز، معرفی کتاب‌های روز به همراه دسته‌بندی اخباری از کتاب در سطح جهان، تصاویری از کتاب‌ها و نظرات مخاطبان و کاریکاتور و طرح‌های مرتبط از گونه مطالب این هشت شماره است. شماره اول این مجله با حضور افرادی همچون جهانگیر افکاری، کریم امامی، نجف دریابندری، حسن مرندی و ابوالحسن نجفی پاییز سال ۵۰ منتشر شده و در ادامه شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای همچون ضیاء موحد، محمدرضا شفیعی کدکنی، احمد سمیعی، محمدرضا حکیمی، داریوش شایگان، حمید عنایت، عبدالحسین زرین‌کوب و... در انتشار این شماره‌ها با مجله همکاری داشته‌اند. کتاب «کتاب امروز» با سیمای جدید در دوجلد (هر جلد شامل چهار شماره) با قابی اختصاصی و به همان شکل سیاه و سفید، دربرگیرنده هشت شماره مجله چاپ شده نام آشنای کتاب امروز در دهه ۵۰ است که انتشارات علمی و فرهنگی آن را در زمستان سال ۱۳۹۹ در شمارگان هزار نسخه منتشر کرده و در اختیار علاقه‌مندان کتاب و مجلات نقد کتاب قرار داده است.

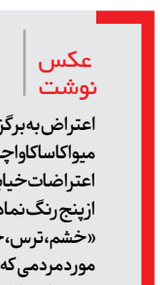

عکس نوشت

اعتراض به برگزاری المپیک ژاپن به دنیای هنر رسید. میواکاساکاواچی هنرمند ژاپنی به جای شرکت در اعتراضات خیابانی تابلوی «گرداب» با بهره بردن از پنج رنگ نماد المپیک کشیده است. او می گوید: «خشم، ترس، حس تناقض و خشونتِ دولتی در مورد مردمی که از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند و درختانی را که قطع شدند تا ورزشگاه‌های عظیم المپیک ساخته شوند نشان می دهد. در چنین شرایطی نمی توانم آن را به چشم یک جشنواره صلح ببینم.»/ایرنا

شهروند مجازی

یگانه خدامی

#واکسن

هشتگ

نحوه تزریق دوز دوم واکسن کرونا به افراد بالای ۷۰ سال و دوز اول به جامانده‌گان این گروه سنی مسأله‌ای است که هر روز بیشتر به آن پرداخته می‌شود. عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از تجمع سالمندان در هوای گرم و مقابل مراکز تزریق واکسن در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شود و کاربران با نوشتن مشاهدات‌شان از این مراکز از نگرانی‌شان برای ابتلای سالمندان به کرونا می‌گویند: «آقای دکتر جهانپور، پدر و مادرهای سالمند ما برای تزریق دوز دوم واکسن کرونا، باید هر روز به مراکز واکسیناسیون مراجعه کنند و با پاسخ منفی و مبهم به خانه برگردند؟ نمی‌توانید با یک پیامک بگویید دقیقاً چه روزی مراجعه کنند؟»، «داستان واکسن کرونا روز دوم. چهار صبح پارک هنرمندان اسم مامان وبابام را دوستم نوشت. بعضیا از ۱۲ شب اونجا بودند! ما از ساعت ۶ صبح اومدیم. کلی سالمند هم نمی‌دانستند سازوکار ثبت‌نام چطوری هست، اون طرف صف بستند که عمراً نوبت‌شان شود.»، «میشه یکی بگه بیایید در مرکز واکسیناسیون پارک هنرمندان را باز کنید؟! والا گناه دارند بالله گناه دارند. این همه ازدحام برای هرچی بود ریخته بودید اونجا»، «۲ روزه دارم میام اینجا برای مرحله دوم واکسن سالمندان، ساعت ۵ صبح رفتم توی صف وایستادم، ۹ اسم نوشتم با شماره ۶۰۰. ولی شاید براتون جالب باشه خود مردم اسم می‌نویسن و هیچ روالی از طرف مسئولاش وجود نداره. ۳ تا منطقه فرحزاد، شهرک غرب و سعادت‌آباد همه‌شون تجمیع شدن تـوی یـک مرکـز. آخـه چـرا؟!»، «نوبت کـه رعایت نمی‌کنن هیچ، هجوم جمعیتی هم میارن به سمت ورودی محل واکسیناسیون. واقعاً صحنه غم‌انگیزیه. بد دهنی و هول دادن و اجحاف کردن به حق دیگران در وجود ما نهادینه شده»، «تراکم جمعیت و ازدحام وحشتناک در مراکز تزریق واکسن رو که می‌بینم خوف می‌کنم. بـه خدا تو ایـن جمعیت یه نفر ناقل باشه فاجعه است. یا چند روز برای مراجعه صبر کنید بلکه خلوت‌تر بشه یا دست‌کم ماسک N۹۵ یا دوتا ماسک بـرای والدیـن سـالمندتان بخریـد»، «طبـق آخرین وعده‌ها، قرار بود نیمه دوم خرداد واکسیناسیون ۶۵ سـال بـه بالا شـروع بشـه! خـرداد تموم شـد! نه تنها خبری از اعلام گروه سـنی جدید برای واکسن نیست؛ بلکه واکسـن برای دوز دوم گروه‌های سـنی قبلی هم نیست و مردم سرگردان بین مراکز وصف‌ها هستند»، «سرگردون بـودن سـالمندان در این گرمـا و آفتاب، واقعاً قلب آدم رو به درد میاره. چرا سه تا منطقه باید در یک مرکز تجمیع بشه؟ چرا این مرکز نباید فضای مناسـب بـرای انتظار داشـته باشـه؟ چرا نبایـد روال منظمی برای نوبت‌دهی وجود داشته باشه؟»، «امروز آبا و دادام دوز دوم واکسنشون رو زدن، خوشحالم که اونا بالاخره واکسن زدن. ناراحتم که خوشحالم که آبا و دادای ۸۰ ساله من تازه به سـختی واکسن گیرشون اومـده و زدن، در حالی‌کـه بقیـه جاهـای دنیـا دارن می‌رسن به واکسیناسیون سی ساله‌ها.»، «در کل دنیا نزدیک ۳ میلیارد نفر واکسـن زدند و بابای ۷۵ ساله من برای دوز دومش هر روز می‌ره و دست خالی برمی‌گرده!»

به یاد زلزله رودبار

ماجرا

دیروز سالگرد زلزله رودبار بود. زلزلـه شـدیدی کـه بـا ۳۷ هـزار کشـته همچنان یکی از خاطرات تلـخ مـردم ایـران اسـت و دیـروز بـه بهانـه ایـن روز خیلی‌ها از این زلزله نوشتند. از حال و هوایشان وقتی زمین لرزید و از اتفاقات بعد از زلزله: «سـی و یکمین سالگرد زلزله ۷.۴ ریشتری رودبار و منجیل؛ زلزله‌ای بـا ۳۵ تـا ۳۷ هـزار کشـته، ۵۰ تـا ۶۰ هـزار مجـروح و حـدود نیم میلیـون نفر بی‌خانمـان.»، «سـی و یکم خـرداد ۶۹ یکـی از تلخ‌ترین روزهای گیلانیان اسـت. زلزله‌ای با بیش از ۴۰ هزار کشـته و هـزاران مصدوم و شـهرهایی که از بیخ ویران شـدند و روستاهایی که زیر ریـزش کوه برای همیشـه مدفون ماندنـد! و گیلانیان

هنـوز هم این داغ را به دوش می‌کشـند»، «۳۱ خرداد ۱۳۶۹. شـبی کـه گیلان گریسـت. همـه زوزه ماتم بود و مویـه خـاک، زخمی بر زخمـی بر زخمی.»، «سـی سـال پیـش در چنیـن روزی زلزلـه رودبـار دسـت‌کم سـی‌هزار نفر رو در کام مرگ کشـید.... تصور اینکه دو سـال بعد از تمام شـدن جنگ این اتفـاق افتاده تنم رو می‌لرزونه... چقدر مصیبت از سـر گذروندن مردم ایران»، «زلزله مرگبار ۳۱ خرداد۶۹ در رودبار و منجیل که تلی از خاک و ویرانی برجای گذاشته بود. من بودم و تعدادی از رفقا. با یک وانت و تهیه مواد غذایی، کله صبح از رشـت می‌رفتیم توزیع غذا و آوارـبرداری و... چه فاجعـه‌ای بود و چه سـخت گذشـت»، «من اون موقع کوچیک بودم ولی هیچوقت یادم نمیره که توی همین تهران هم از شدت زمین لرزه، عروسکم تکون میخورد و صدا میداد و چقدر وحشت زده شده بودم! مامان دوید و خواهر کوچیکم رو بغل کرد»، «یه گربه داشتیم به اسم میشکا، داشتیم فوتبال نگاه می‌کردیم کـه این بنده خـدا هوارزنان اومد و یـه چیزایی گفت و بعد که دید ما نمی‌فهمیم رفت نشست وسط حیاط. بعدشـم مـا لرزیدیم و تازه فهمیدیـم چی می‌گفت. ولی واقعاًترسناک بود، هنوز سر و صدای دیوارها و اون حس لرزیدن رو خوب یادمه.»، «سی و یک خرداد که میشه، ترس و غم روتوی چشمای مامانم می‌بینم»، «زلزلـه رودبار جز یکـی از ۱۰ زلزله‌های شـدید جهان است، پس از این زلزله در کشور ستاد مدیریت بحران وزارت کشـور شـکل گرفت، سـازمان نظام‌مهندسـی تأسیس شـد، آیین نامه ساخت و ساز مقاوم در کشور تدویـن شـد و مراکز پژوهشـی مرتبط با زلزله بسـط و توسعه یافت.»، «به دلیل محدود بودن ایستگاه‌های زلزله نگاری؛ کانون زلزله در سـی دقیقه بامداد سی و یکمین روز از خرداد شصت و نه، دیلمان اعلام شد. با این خطا زمان طلایی امدادرسانی به مناطق خسارت وارد شده از دست رفت. زمان طلایی برای نجات پس از زلزله ۲۴ الی ۷۲ ساعت است.»، «سال ۱۳۶۹. زلزله رودبار که تا رشت رو هم لرزوند. اگه جام جهانی ۱۹۹۰ نبود و اگه بازی برزیل -اسکاتلند نبود اون شب شاید چند هزار نفر بیشتر زیر آوار میموندن.»